

بِه زام خ داوئد بخش نده مه ريان



WWW.EC.NAHAD.IR

جلسه اول

بررسی سطح ملی دستاوردهای انقلاب

گاه کلان به دستاوردهای انقلاب اسلامی:

در این جلسه قرار است بحثی راجع به دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی داشته باشیم من یک جمله‌ای از رهبر انقلاب که در مجلس خبرگان رهبری فرمودند نقل می‌کنم تا نظر ایشان در مورد انقلاب را بدانیم ایشان می‌فرمایند: "جا دارد که یک نگاه کلان و یک نگاه فراگیر به انقلاب اسلامی بیاندازیم، نگاه‌های جزئی نگاه به حوادث میانه راه و نگاه به افت و خیزها خیلی گویا نیست باید نگاه کلان و فراگیر به انقلاب اسلامی در سطح افکار عمومی زنده بشود" متأسفانه ما تا به حال در صحبت از دستاوردها و چالش‌ها، صحبت از دستاوردهای خرد بود که مثلاً چه میزان پیشرفت در راه‌سازی و توسعه دانشگاه‌ها و از این قبیل داشته‌ایم و هرگز به مسأله نگاه کلان توجه نمی‌شد و در نتیجه خودش به خودی خود برای استاد چالش برانگیز بود چون این مسأله امکان طرح داشت که چه دلیلی دارید که اگر شاه هم ادامه می‌داد در این موارد راه‌سازی و مدرسه‌سازی و توسعه دانشگاه را اجرا نمی‌کرد؟ شما به عنوان انقلاب اسلامی چه دستاورد جدیدی داشتید؟ که اگر انقلاب نمی‌بود این دستاوردها هم وجود نداشت؟

بنابراین ما این مسأله را در چهار سطح قابل لمس مطرح کردیم که عبارت است از:

- ۱- سطح ملی
- ۲- سطح منطقه ای
- ۳- سطح جهانی
- ۴- سطح تاریخی بنابراین ما این سطوح را به طور موجز و مختصر ارائه می دهیم.

سطح ملی:

در سطح ملی ما دو دستاورد بزرگ را برای انقلاب اسلامی احصا کرده ایم که عبارت اند از: اول) تأسیس نظام دینی کارآمد در دنیای پست مدرن؛ که در واقع این نظام بعد از سیصد سال که دوره دین را تمام شده می دانستند و معتقد بودند با ابزار و ساز و کار دینی دیگر نمی توان حکومت کرد انقلاب اسلامی این نظریه سیصد ساله را که هم در جهان اسلام و هم در جهان غرب مطرح بود به چالش کشاند و به اثبات رساند که می شود یک نظام دینی که بانظام های موجود دنیا هم سنگی کند و کارآمد باشد و حتی موفق شود بارها نظام های مدرن امروز را تحقیر کند و شکست دهد ایجاد کرد. شما با نگاه به تاریخ ۳۵ ساله مشاهده می کنید این نظام امریکا را که ابر قدرت هست به طرق مختلف شکست داده است هم در مسائل داخلی و هم در مسائل خارجی حتی تحقیر کرده است.

ساختار این نظام از لحاظ شکلی شباهت زیادی به نظام های موجود دارد یعنی هم عنصر نظامی دارد و هم عناصر اقتصادی و سیاسی و حقوقی و هم عنصر فرهنگی دارد و از طرفی دارای برنامه است یعنی در واقع نظام دینی موجود با دو برنامه شروع به کار کرد که این دو برنامه در دو شعار معروف بود:

- ۱- استقلال آزادی جمهوری اسلامی.
- ۲- نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی.

یعنی سیاست داخلی را بر پایه استقلال آزادی جمهوری اسلامی و سیاست خارجی را بر پایه نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی قرار داد، امروز که ۳۵ سال از دوران انقلاب اسلامی گذشته واقعاً ببینیم که آیا در اجرا و پیاده کردن این دو شعار موفق بود یا ناکام بود؟ آیا وقتی حرف از استقلال می‌زد اکنون استقلال را بدست آورده است؟

استقلال:

کشوری که هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ سیاسی و اقتصادی و هم از لحاظ فرهنگی صد درصد به غرب وابسته بوده است امروز به جرأت می‌توانیم بگوییم که در رابطه با تصمیم‌گیری و برنامه ریزی بدون نفوذ خارجی مستقل‌ترین کشور است یعنی امروز هیچ قدرت خارجی وجود ندارد که برای ما تعیین تکلیف کند، ممکن است ما دچار اشتباهاتی بشویم اما خودمان اشتباه می‌کنیم. در گذشته مثلاً فرض کنید سیاست کشور را به صورت کامل در خارج تعیین می‌شد، اصلاً چه کسی پهلوی را به قدرت رساند؟ در سال ۱۲۹۹ انگلیسی‌ها پهلوی را به قدرت رساندند و در کودتای ۱۳۳۲ هم انگلیس و آمریکا همکاری کردند ولی امروز نظام و مسئولین ما مستقل در داخل کشور تعیین می‌شوند لیست نمایندگان مجلس شورای ملی از سفارتخانه‌ها می‌آید اما امروز مردم خودشان نمایندگانشان را تعیین می‌کنند، از لحاظ فرهنگی کشوری که صددرصد وابسته به فرهنگ غرب بود و بقول تقی زاده که می‌گفت: "اگر می‌خواهیم آدم شویم باید از فرق سر تا نوک پا غربی شویم"، امروز ارزش‌های اسلامی در کشور ما حاکم است و این ارزش‌های اسلامی است که مسیر نظام ما را تعیین می‌کند.

آزادی:

آیا واقعاً آن چیزی که به عنوان آزادی تعریف شد تحقق پیدا کرده است یا خیر؟ انقلاب اسلامی آزادی را باز تعریف کرد در غرب آزادی به معنای بی‌بندوباری است ولی آزادی سیاسی

به جامعه داده نشد بلکه گفتند این احزاب هستند که باید برای جامعه تعیین تکلیف کنند ولی امام و انقلاب این آزادی را به توده‌ها واگذار کرد، آزادی در تصمیم‌گیری، که حتی خلاف نظر مسئولین بتوانند تصمیم بگیرند و در انتخابات‌های مختلف ما شاهد این مسأله هستیم. چه کسی می‌تواند پیش بینی کند که رییس جمهور و نماینده مجلس چه کسی است؟ مردم و توده‌ها خود اختیار دارند قید و بند احزاب را هم ندارند و این حق را امام به توده‌ها داد، فقط از توده‌ها خواست که آگاه باشند و سرنوشت خود را به دست بگیرند شما ملاحظه می‌کنید که در انتخابات اولیه رییس جمهور بنی صدر، حضرت امام سوگند یاد می‌کنند که من به بنی صدر رأی ندادم و ارتباطات او هم با سفارت امریکا به دست امام رسیده بود اما امام اجازه ندادند این مطالب منتشر شود تا مردم دچار شبهه نشوند که قرار است دیکتاتوری حاکم شود و لذا بنی صدر با هشتاد و پنج درصد رأی انتخاب شد و با این میزان رأی امام فرماندهی کل قوا را هم به او واگذار کرد و تا زمانی که مردم به خیابان‌ها نریختند و بر علیه وی شعارندادند امام وارد ماجرا نشدند و آن زمان بود که امام وارد شدند و او را عزل کردند. چنین آزادی در تصمیم‌گیری در هیچ جای دنیا وجود ندارد، در امریکا دو حزب جمهوری خواه و دمکرات تصمیم می‌گیرند و شخص ثالثی حق ورود ندارد و آن‌ها نیز از قبل کاملاً مطمئن می‌شوند از رئیس جمهور و تعهد می‌گیرند که از صاحبان قدرت و ثروت تبعیت کند و گرنه اجازه ورود نمی‌دهند، بنابراین واقعیت این است که آزادی به معنای جدید یعنی به معنای تصمیم‌گیری سیاسی، تصمیم‌گیری در سرنوشت خود از دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

سیاست خارجی:

در سیاست خارجی هم همین‌طور، در شرایطی که هیچ دولتی جرأت نداشت برخلاف نظر شرق یا غرب عمل کند حتی در داخل کشور این‌طور بود، انقلاب اسلامی دست رد بر سینه شرق و غرب زد و توانست نظامی را بوجود بیاورد که علیه شرق و غرب باشد، حضرت امام فرمودند

امریکا از شوروی بدتر و شوروی از انگلیس بدتر، همه از هم پلیدتر و ما همان قدر که با شرق کمونیستی مخالفیم با غرب سرمایه داری مخالف هستیم و این مسأله تا به امروز کاملاً حفظ شده است. بنابراین واقعیت امر این است که این نظام توانسته است هم کارآمد باشد و هم در اجرای برنامه های خود موفق باشد و بتواند بحران های عظیمی را پشت سر بگذارد.

بازتعریف قدرت:

انقلاب اسلامی قدرت را بازتعریف کرد یعنی معتقد بود که قدرت از لوله توپ بیرون نمی آید و منشاء قدرت در جای دیگری است.

۱- اولین منبع قدرت که توسط انقلاب اسلامی مطرح شد تکیه بر عنایات الهی بود، یعنی بر اساس آیات شریفه قرآن باور داشت که خداوند به سه طریق کمک می کند:

الف) راه را نشان می دهد «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا».

ب) امدادهای غیبی «و ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی».

ج) تضمین پیروزی، خداوند پیروزی را برای حزب الله تضمین نموده است «الا ان حزب الله هم الغالبون».

۲- دومین منبع قدرت تکیه بر توده های مردم است، برخلاف انقلاب های دیگر که بر نخبگان تکیه می کرد انقلاب اسلامی به توده های مردم و مستضعفین در کشور تکیه کرد. امام می فرمود این مردم انقلاب کردند و خودشان هم باید آن را حفظ کنند و واقعاً هم این ملت بودند که توانستند جنگ تحمیلی را اداره کنند.

۳- پیروی از ولایت فقیه، حضرت امام می فرمایند: از ولایت فقیه پیروی کنید تا جامعه شما

از هر گزندی مصون باشد؛ واقعیت امر این است که برای ما ولی فقیه نایب امام زمان است، منصوب خداوند است و ما او را انتخاب نمی‌کنیم بلکه ما کاشف بر آن هستیم و مطمئن هستیم که مورد حمایت و عنایت امام زمان (عج) است و پشتیبانی می‌شود و اتصال به آن حضرت دارد و این منبع قدرت عظیمی است که به ما آرامش می‌دهد و در همه جا کارآمدی خود را نشان داده است.

۴- نابودی ترس از مرگ. یعنی شهادت، برای کشورهای لائیک مرگ پایان زندگی است و ترس از مرگ مهم‌ترین منبع فشاری است که می‌شود بر طرف مقابل وارد کرد، انقلاب اسلامی این موضوع را حل کرد و عنوان کرد که مرگ نه تنها پایان زندگی نیست بلکه آغاز زندگی سعادت مندی است به خصوص اگر با شهادت همراه باشد.

۵- تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها، ما آموختیم که چگونه تهدیدات رو به فرصت تبدیل کنیم، این تحریم‌هایی که انجام شد اگر نبود ما پیشرفتی در این حد نداشتیم و طرح اقتصاد مقاومتی ناشی از این تحریم‌ها است.

۶- مسأله دیگر داشتن فرصت و زمان است ما برای امروز و فردا نمی‌جنگیم بلکه ما برای صدها سال حرکت می‌کنیم بنابراین مهم نیست که امروز نتیجه بگیریم.

۷- تبدیل عوامل بالقوه به صورت بالفعل خداوند به این کشور همه نعمات را ارزانی داشته است، هم منابع زیرزمینی و هم منابع روی زمین، هم موقعیت استراتژیک و هم هوش و استعداد جوانان را ارزانی داشته است و ما در حال حاضر این منابع بالقوه قدرت را داریم به بالفعل تبدیل می‌کنیم.

۸- تحمیل اراده بر دشمن؛ به قول مقام معظم رهبری جنگ، جنگ اراده‌ها است؛ دشمن می‌خواهد اراده‌اش را بر ماتحمیل کند اما ما تا به حال آرزوی او را خنثی نموده‌ایم و این ما بودیم که در مسائل مختلف او را وادار کردیم که در مقابل ما سر تسلیم فرود آورد.

۹- مقاومت و پایداری؛ امروز مقاومت و پایداری تبدیل به گفتمان شده است «فاستقم کما امرت» ما مأمور به مقاومت هستیم.

۱۰- سازش ناپذیری عملاً اجرا شده است و ما تا به حال به هیچ وجه با هیچ دشمنی سازش نکرده‌ایم.

۱۱- در نهایت نیز خود باوری است.

۱۲- ادای تکلیف؛ ما مأمور به اجرای تکلیف هستیم نتیجه در دست خدا است و به ما ارتباطی ندارد و خداوند هرچه صلاح بداند عمل می‌کند.

و این دستاورد عظیمی است که انقلاب اسلامی به عنوان یک نظام دینی کارآمد ایجاد کرده است؛ ما قصد نداریم که وضعیت خود را ایده آل و کمال مطلوب بدانیم و آن را خالی از مشکل معرفی کنیم و فساد را انکار کنیم ولی این مشکلاتی که در درون وجود دارد نتوانسته است این ساختار و شاکله را تحت تأثیر قرار دهد و انقلاب اسلامی این دستاورد عظیم را داشته است و هر روز قدرتمندتر و کارآمدتر شده است و توانسته است در صحنه روابط بین الملل امروز به عنوان یک ابر قدرت فرهنگی مطرح شود.

مردم سالاری دینی یا جامعه ولایی:

دومین دستاورد عظیم، این مردم سالاری دینی است که مطرح شده است دارای دو وجه است:

- ۱- یک وجه نظام سیاسی است که قبلاً مطرح شد.
- ۲- وجه دیگری است که پدیدار گشته و ما آن را جامعه ولایی می نامیم، در واقع انقلاب اسلامی هم نظام اجتماعی و هم نظام سیاسی خلق کرد، در حقیقت در تقابل با جامعه مدنی که غربی ها مطرح می کنند و آقای خاتمی نیز آن را طرح کرد ما جامعه ولایی را تعریف کردیم که از سه عنصر تشکیل شده است:

الف) رهبری ولایی ب) امت ولایت مدار ج) مکتب ولایی.

انقلاب اسلامی از شکل گیری این سه عنصر توانست با دست خالی به نتیجه برسد و تا به امروز نیز ادامه یابد و این جامعه ولایی تا به امروز سه مأموریت را انجام داده است:

- ۱- حمایت و پشتیبانی از نظام سیاسی است که با شرکت در انتخابات های مکرر و با حضور در انتخابات از این نظام سیاسی حمایت کرده است.

۲- دومین نقش این جامعه ولایی خنثی نمودن توطئه های براندازی بود. این نظام سیاسی نبود که توطئه ها را خنثی می نمود، جنگ و بحران ها این جامعه ولایی اداره کرد و پشت سر گذاشت، تبلور این جامعه ولایی در کلام امام بسیج، ارتش بیست میلیونی و سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی است، شما اگر همه این بحران ها را بررسی کنید این مردم بودند که خنثی نموده اند و نظام این توطئه ها را خنثی نکرد.

- ۳- مأموریت سوم این جامعه ولایی تداوم بخشی انقلاب بود یعنی اگر این جامعه ولایی

در صحنه نبود انقلاب ما تداوم نداشت، جوانان امروزی ما که ۲۲ بهمن سال ۵۷ و جنگ ندیده‌اند اما مشاهده می‌کنیم که روحیه آن‌ها از جوانان سال ۵۸ قوی‌تر و انقلابی‌تر است، این به برکت جامعه ولایی است که خانواده‌ها فرزندان‌شان را در صحنه نگه داشتند و تربیت کردند تا به امروز رسیده است.

جمله‌ای کلیدی و حساس که دستاورد این جامعه ولایی است و در هیچ جای دنیا مثال آن وجود ندارد؛

خواص و نخبگان در جوامع دیگر رهبری و هدایت را بر عهده دارند و همواره عده‌ای به دنبال آن‌ها در حرکت هستند ولی در این جامعه ولایی خواص و نخبگان تا زمانی مقبولیت و مشروعیت دارند که خود را در درون جامعه ولایی تعریف کنند و به محض زاویه گرفتن از جامعه ولایی دچار سقوط حتمی و قطعی می‌شوند بدون اینکه عده‌ای را به همراه خود ببرند. بنابراین جامعه ولایی نیز یکی از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی است و مخصوص کشور ما می‌باشد.